



سازش امنیتی؟

بررسی سخنان محسنی اژه‌ای درباره امکان صلح و سازش در پرونده‌های امنیتی

انجام تحقیقات لازم، قبل از ثبت در دادسرا، دادگاه‌های عمومی بخش و یا محاکم کیفری دو، جهت میانجیگری و ایجاد صلح و سازش به شورای حل اختلاف ارسال شود. در صورت حصول سازش، مراتب سازش طرفین و گذشت شاکی صورت‌مجلس شده و پرونده در شورا ابایگانی می‌شود و در این صورت دادسرا ابایگلیفی مواجهه نیست.»

▼ نگرانی امنیتی

با این حال، صلح و سازش در پرونده‌های امنیتی مسبقاً به‌سابقه نیست؛ به‌ویژه آنکه روند رسیدگی به پرونده‌های امنیتی با قوانین سختگیرانه همراه است. برای نمونه تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۹۴ اصلاح شد، انتخاب وکلا توسط این دست متهمان را محدود کرده است: «در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۲۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد.» به اعتقاد بسیاری از وکلای دادگستری این تبصره حاکی از بی‌اعتمادی به وکلاست و از سوی دیگر آزادی انتخاب وکلارا از محکومین امنیتی سلب می‌کند.

به عقیده وکلا و حقوق‌دانان، گسترش دایره صلح و سازش به پرونده‌های امنیتی، علاوه بر اینکه به کاهش تنش‌های سیاسی کمک خواهد کرد، فرصتی نیز فراهم می‌کند تا اعتماد عمومی از دست‌رفته بازگردد. با این حال نگرانی از سلیقه‌ای شدن تصمیم‌گیری‌ها و نبود سازوکار شفاف در این زمینه نیز وجود دارد. روزنامه‌هم‌پهن در سرمقاله روز دوشنبه ۱۹ آبان با عنوان «صلح‌مقدم‌بر عدالت» با تأکید بر اینکه ابتدا باید در اطلاق ادبیات «امنیتی» تجدیدنظر شود، به احضار و بازداشت برخی افراد در روزهای اخیر اشاره می‌کند، در حالی که بسیاری از آنها نمی‌پذیرند

ضوابط امنیتی قابل گذشت است انجام داد و افراد و گروه‌هایی را برای صحبت و ارشاد رهسپار کرد. محسنی اژه‌ای رویکرد استفاده از نیروهای جوان و مستعد برای کنترل فضای مجازی نیز مطرح می‌کند: «یکی از موضوعات ما در کشور مبحث فضای مجازی است؛ می‌توان از ظرفیت نیروها و جوانان مستعد و خیرخواهی که کاربر فضای مجازی هستند استفاده کرد و از طریق آنها، مسائل آن دسته از کاربران فضای مجازی که احیاناً خلاف مصالح کشور عمل کرده‌اند را پیگیری کرد.» و معتقد است که صلح و سازش علاوه بر اینکه ورودی پرونده‌ها را کاهش می‌دهد، آثار و کارکردهای اجتماعی و تربیتی قابل توجهی نیز دارد.

▼ پیشنهاد تلاش برای «صلح و سازش» در قوه قضائیه

سابقه صلح و سازش در پرونده‌های قضایی سابقه‌مند است. در سال ۱۳۸۵ به رؤسای کل دادگستری‌های سراسر کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بخشنامه‌ای شد که به منظور توسعه فرهنگ صلح و سازش، فراهم نمودن زمینه مناسب و لازم جهت حل و فصل اختلافات ناشی از جرایم اطفال و نوجوانان، بهره‌مندی آنان از مزایای مصالحه و میانجی‌گری مبتنی بر عطفوت اسلامی و پرهیز از اعمال کیفر حبس برای اطفال و نوجوانان، رؤسای کل دادگستری استان‌ها با همکاری مدیران کل سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی هر استان و سایر مراجع ذیربط جهت‌بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل شوراهای حل اختلاف تربیتی اتخاذ نمایند.

در سال ۱۳۹۸ نیز بخشنامه رئیس قوه قضائیه در خصوص اهمیت صلح و سازش و نقش آن در احقاق حق و پیشگیری از اطاله دادرسی ابلاغ شد. براساس این بخشنامه «در تمام جرایم قابل گذشت موضوع ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مانند توهین به افراد، تهدید و تصرف عدوانی و جرایم قابل گذشت موضوع دیگر قوانین، پرونده با الحاظ ترتیباتی جهت حفظ ادله جرم و رعایت حقوق شاکی، نظم عمومی و در صورت ضرورت

رئیس قوه قضائیه معتقد است که می‌توان این رویکرد (صلح و سازش) را برای برخی افراد که حتی در خلال جنگ تحمیلی ۱۲ روزه کاری خلاف امنیت کشور انجام داده‌اند، اما اقدام‌شان طبق قانون و ضوابط امنیتی قابل گذشت است انجام داد

به گفته رئیس قوه قضائیه امکان وسعت بخشیدن «صلح و سازش» و «حل اختلاف» به مقولات امنیتی در چارچوب ضوابط و قوانین در برخی پرونده‌ها و مسائل امنیتی وجود دارد. اشاره او به افرادی است که علیه نظام تبلیغ کرده‌اند و با اقدامی علیه امنیت انجام داده‌اند، اما طبق قانون و ضوابط امنیتی کشور این اقدام قابل گذشت است. محسنی اژه‌ای البته به ظرفیتی که در این راستا قابل استفاده است نیز اشاره کرده است که ظرفیت افراد خبره، آشنا به مسائل، دلسوز و دارای بیان شیوا و رسا است و با استناد به پرونده‌های حوادث سال ۱۴۰۱ گفت: «اشخاصی از حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، برای صحبت با دستگیرشدگان، رهسپار زندانگاه‌ها شدند و این دستگیرشدگان در حین این گفت‌وگوها، تصریح می‌داشتند که اشتباه کردند و نادم هستند؛ معتقدیم اکنون نیز می‌توان مجدداً از همان شیوه استفاده کرد.»

رئیس قوه قضائیه حالا معتقد است که می‌توان این رویکرد (صلح و سازش) را برای برخی افراد که حتی در خلال جنگ تحمیلی ۱۲ روزه کاری خلاف امنیت کشور انجام داده‌اند، اما اقدام‌شان طبق قانون و

منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

صحبت‌های اخیر رئیس قوه قضائیه مبنی بر «صلح و سازش» به‌ویژه در پرونده‌های امنیتی واکنش‌های گسترده‌ای در پی داشته است. غلامحسین محسنی اژه‌ای در صحبت‌های خود از صلح و سازش در طیف گسترده‌ای از پرونده‌ها صحبت کرد که «مسائل امنیتی» بیش از همه برجسته‌شد.

▼ صلح و سازش نامرز پرونده‌های امنیتی

به گفته رئیس قوه قضائیه امکان وسعت بخشیدن «صلح و سازش» و «حل اختلاف» به مقولات امنیتی در چارچوب ضوابط و قوانین در برخی پرونده‌ها و مسائل امنیتی وجود دارد. اشاره او به افرادی است که علیه نظام تبلیغ کرده‌اند و با اقدامی علیه امنیت انجام داده‌اند، اما طبق قانون و ضوابط امنیتی کشور این اقدام قابل گذشت است. محسنی اژه‌ای البته به ظرفیتی که در این راستا قابل استفاده است نیز اشاره کرده است که ظرفیت افراد خبره، آشنا به مسائل، دلسوز و دارای بیان شیوا و رسا است و با استناد به پرونده‌های حوادث سال ۱۴۰۱ گفت: «اشخاصی از حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، برای صحبت با دستگیرشدگان، رهسپار زندانگاه‌ها شدند و این دستگیرشدگان در حین این گفت‌وگوها، تصریح می‌داشتند که اشتباه کردند و نادم هستند؛ معتقدیم اکنون نیز می‌توان مجدداً از همان شیوه استفاده کرد.»

رئیس قوه قضائیه حالا معتقد است که می‌توان این رویکرد (صلح و سازش) را برای برخی افراد که حتی در خلال جنگ تحمیلی ۱۲ روزه کاری خلاف امنیت کشور انجام داده‌اند، اما اقدام‌شان طبق قانون و

نگاه جامعه شناس

امان الله قرائی مقدم استاد جامعه‌شناسی:

رویکرد صلح و سازش باید مورد اعتماد مردم نیز باشد

امان الله قرائی مقدم، استاد جامعه‌شناسی در گفت‌وگو با هم‌پهن با اشاره به تصمیمی که قوه قضائیه در اتخاذ رویکرد صلح و سازش در پیش گرفته است، معتقد است سازوکارهای این رویکرد باید مشخص و در چارچوب‌هایی باشد که مردم به آنها اعتماد کنند و آنها را بپذیرند.



تصمیم‌های پوپولیستی در غیاب احزاب

محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با ایرنا درباره انتخابات شورای شهر هفتم و برگزاری انتخابات در تهران به صورت تناسبی گفت: «در این مدل، احزاب و جبهه‌ها تقویت می‌شوند. برای مثال، حزب «الف»، حزب «ب» یا حزب «ج» (یا جبهه‌ها) فهرست نامزدهای خود را معرفی می‌کنند و مردم می‌توانند به جای رأی دادن به افراد، به حزب رأی دهند. بر خلاف روش فعلی که ممکن است ۴۹ درصد مردم به کسانی رأی دهند که هیچ نماینده‌ای در شورا ندارند و بی‌نماینده بمانند اما در مدل تناسبی همانطور که ۵۱ درصد حق دارند، ۴۹ درصد نیز در تصمیم‌گیری‌ها سهم خواهند داشت. برای مثال، اگر ۷۰ درصد مردم به یک حزب و ۳۰ درصد به حزب دیگری رأی دهند، کرسی‌های نمایندگی به همان نسبت میان آنها تقسیم می‌شود.» او همچنین گفت: «زمانی که اساس قدرت بر رأی مردم است، چنین حکومت‌هایی ناگزیرند چند حزب قدرتمند و فراگیر (معمولاً ۴ تا ۶ حزب) داشته باشند. به بیان دیگر، وجود حزب، لازمه یک حکومت دموکراتیک است. ر غیاب احزاب، تصمیم‌گیری‌ها رنگ پوپولیستی به خود می‌گیرد و حرکت‌های سیاسی و اجتماعی به صورت زیگزاگی، بدون هدف یا با اهداف بسیار کوتاه‌مدت و گاه تخریب‌کننده پیش می‌روند، به همین دلیل، نظام ما نیز باید چند حزب نیرومند و باثبات داشته باشد تا بتواند مسیر مردم‌سالاری را به شکلی منسجم‌تر پیش ببرد.»

ادامه از صفحه اول

حال این پرسش پیش می‌آید که این عنوان مجرمانه در چارچوب کدام دستگاه حقوقی وارد قوانین جاری شده است؟ متأسفانه حامیان این نوع مفاهیم ابداعی، فوری پای دستگاه حقوق شرعی را وسط می‌کشند! این در حالی است که بسیاری از فقهای بلندپایه هر نوع نقد نظری شدیدالحن و حتی اعتراض عملی مسالمت‌آمیز علیه هر نظام حکومتی و کارگزاران آن را نه فقط جایز بلکه از حقوق اولیه مردم می‌شناسند و جلوگیری از آن را مجرمانه می‌دانند. بنابراین، نخستین مشکلی که پیش روی پیشنهاد آقای اژه‌ای قد علم می‌کند، عناوین مجرمانه بی‌بنیاد و اساس و در عین حال معانی‌کشدار و غیرقابل حصر آنهاست که عملاً دست ضابطان و قضات را برای ابرامی محکوم کردن هر شهروند منتقد و مخالفی باز می‌گذارد. برای غلبه بر این مشکل، اصلاح و تنقیح ریشه‌ای قوانین جاری، از لوازم اولیه عملی شدن پیشنهاد رئیس قوه قضائیه است. اگر چنین اقدامی زمان می‌برد و امری مربوط به بلندمدت است، حداقل در کوتاه‌مدت، می‌توان دادگاه‌های رسیدگی به اتهام‌های امنیتی را اعلنی و در حضور هیئت منصفه‌ای متشکل از نمایندگان عموم اصناف کشور برگزار کرد تا وجدان عمومی درباره فعل متهم داوری کند. صورت دیگری از این سازوکار می‌تواند بخشی از همان پیشنهاد رئیس قوه برای استفاده از «ظرفیت صلح و سازش» باشد. اصلاً چرا چنین ظرفیتی به جای آنکه بعد از صدور حکم به کار گرفته نشود، قبل از برگزاری دادگاه مورد استفاده قرار نگیرد؟ اگر نهاد صلح و سازش در پرونده‌های امنیتی شکل گیرد، قاعدتاً پیش از ارجاع به دادسرا و دادگاه می‌توان موضوع را به همین نهاد واگذار کرد تا در صورت امکان داستان را فایصله دهد. فعلاً مهم این است که نهاد صلح و سازش مذکور شکل گیرد و ترکیب آن هم واقعاً از افراد خبره، آشنا به مسائل، دلسوز و دارای بیان شیوا و رسا باشد. در جامعه ما هر فردی خود و همفکرانش را خبره و آشنا به مسائل و دلسوز و غیره می‌داند و مخالفان خود را به ضد این ویژگی‌ها متهم می‌کند. با این حساب، مرجع تعیین و تشخیص اعضای نهاد صلح و سازش از اصل چنین نهادی مهمتر است. از این رو، اگر ترکیب نهاد صلح و سازش بخواد چیز شبیه هیئت منصفه مطبوعات باشد، واضح است که به جای حل مشکل، فقط بر حجم آماس کرده بوروکراسی کشور افزوده می‌شود. نهاد صلح و سازش بالطبع باید نماینده اصناف و اقشار و گروه‌های شغلی جامعه باشد. برای نمونه چند صنف شناخته‌شده مثل حقوقدانان، استادان دانشگاه، مهندسان، کارگران، پزشکان، روزنامه‌نگاران، بازاریبان و غیره می‌توانند از طریق تشکلهای خود نماینده‌ای را برای حضور در نهاد صلح و سازش معرفی کنند و در ترکیب آن سهمیه شوند. چنین نهادی بدون شک می‌تواند در پرونده‌های اصطلاحاً امنیتی بار گرانی را از دوش جامعه و همینطور حکومت بردارد. اگر هدف تغییر و اصلاح رویه‌های هزینه‌زا و مشکل‌افزین باشد، راه‌های دستیابی به آن سراسر است!

سیاسی، فرهنگی و روحی و روانی نیز دارد. از نظر من در کاهش میزان جرائم و انواع آسیب‌های اجتماعی، از آنجایی که یک نوع تجربه‌گرایی در زمانی که افراد در زندان هستند کسب می‌شود، و از طرفی فکر می‌کنند متنبه می‌شوند، از نظر من اثر دارد. ما باید به این سمت برویم و جامعه نیز باید سعی کند عوامل موثر در جرم‌زایی را کاهش دهد. براساس تئوری که کنت لوین در دهه ۴۰ میلادی مطرح کرده، میدان زندگی و میدان نیرو، یعنی در جامعه‌ای که نیروهای برانگیزاننده و انواع آسیب‌های اجتماعی زیاد است و جامعه مقصر است، همچنین مسئولان مقصر هستند، زندانی معلول این شرایط است. این جامعه است که او را وادار کرده است که به این سمت برود؛ بنابراین جامعه مسئول است. از لحاظ جامعه‌شناسی، این جامعه است که مجرم را به وجود آورده است و فرد بزهکار معلول است. عامل جامعه است و خود مسئولان. از قوه قضائیه گرفته تا رئیس‌جمهور و مدیران، همه در این قضیه مسئول هستند و اثرگذار. اما اینها چکار کردند؟ آیا رویکردی برای رفع بیکاری داشتند؟ فساد در کشور ما کاهش یافته است؟ راه‌های کسب درآمد بهبود یافته و سالم‌شده؟ نشاط اجتماعی را در کشور توسعه دادند؟ بنابراین حرف آقای اژه‌ای

